



هدف این است که شاگرد شما از

بخش ۶، خود به تنهایی به

دنبال کشف فرهنگ سلطنت

خداوند بگردد. بسیار مهم است

که شاگرد واقف بر جایگاه خود

در پادشاهی خداوند باشد، اینک

او فرزند خداوند با ارثی خاص

است.

شاگردان تمرینات را یک هفته

پیشا پیش دریافت کرده تا زمان

کافی برای مطالعه آیات و حل

سوالات داشته باشند. قسمت

اول درس یک برکه یادداشت است

و قسمت دوم محتوای درس.

در گذشته رومیان از کلمه فرهنگ بمعنای کشت و کاردر مزرعه استفاده می کردند. فیلسوفی به نام سیسرو کلمه فرهنگ را برای "کشت و کار روح" به کار می برد. در هر دو حالت صحبت از کاشتی مثمر و بارور است.

این روزها مفهوم این کلمه بیشتر تبدیل به هدف و روش زندگی یک قوم شده است. روش نگرش، هستی و عملکرد یک قوم.

عیسی نیز فرهنگ پادشاهی خدا را در شاگردانش کاشت. در این بخش با هم بررسی خواهیم کرد که چگونه عیسی به فرهنگ پادشاهی خداوند جامه عمل پوشانید، شاگردان این را چگونه از او آموختند و به چه طریقی این را به کلیساهای تازه تاسیس آن دوران منتقل کردند.

به این طریق مردم ارزشهای پادشاهی را یاد گرفته و میدانستند که چگونه می توانند عضوی از این پادشاهی باشند. عیسی از طریق زندگی کردن بر حسب این قواعد مهم، آنها را به دیگران نیز می آموخت و این باعث تغییر در طرز فکر پیروانش میشد. این طرز تفکر باعث میشد تا شاگردان در زندگی خود انتخاباتی انجام دهند، که نه تنها باعث رشد پادشاهی خداوند در زندگی شخصی آنها بلکه در زندگی پیروان آنها نیز میشد. اینگونه بود که فرهنگ پادشاهی خداوند بوجود آمد.

زمانی که عیسی با شاگردانش به بالای کوه میرود، برای اولین بار فرهنگ پادشاهی خدا را به آنها معرفی میکند. آنجاست که عیسی به طور مفصل ارزشهای پادشاهی خداوند را توضیح میدهد.

بگذارید با هم به ۹ ارزشی که عیسی در وهله اول در قلب شاگردانش کاشت نگاه می بینیم.

کلمات کلیدی را یادداشت کنید:

فقیران در روح پادشاهی آسمان

را خواهند دید.

ماتمیان تسلی خواهند یافت

نرم خویان وارث زمین خواهند

بود.

تشنگان عدالت سیر خواهند

شد.

بر رحیمان رحم خواهد شد.

پاکدلان خدا را خواهند دید

صلح جویان فرزندان خدا

خوانده خواهند شد.

آزار دیدن بخاطر عدالت

نور و نمک بودن

متی ۵: ۳

متی ۵: ۴

متی ۵: ۵

متی ۵: ۶

متی ۵: ۷

متی ۵: ۸

متی ۵: ۹

متی ۵: ۱۰ ، ۱۱

متی ۵: ۱۳ ، ۱۴

هر درس از بخش ۶ با تحقیق کوتاهی از زندگی یک شخصیت کتاب مقدس، چند آیه از زندگی عیسی و شاگردانش و کلیساهای اولیه شروع می شود.

تکلیف:

زندگی و 'قلب' یوسف را تحت بررسی قرار دهید.



پیدایش ۳۷



پیدایش ۳۹، ۴۰، ۴۱



پیدایش ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵



پیدایش ۴۶، ۴۷، ۵۰

از شخصیت یوسف چه می آموزید؟

فصلهایی که در مورد زندگی یوسف هستند را مطالعه کرده و توضیح دهید که او چگونه به مقام نایب السلطنه رسید.

از برخورد یوسف در دوران سختیها و آزمایشات زندگی چه می آموزید؟

از بازدید یوسف و برادرانش چه می آموزید؟

ارثی که یوسف و در نهایت خانواده اش می گیرند چیست؟

چه درسی از یوسف برای زندگی خود گرفتید؟

متی ۱۶: ۲۴ و متی ۱۱: ۲۹ دستور العمل عیسی را بخوانید و آن را در زندگی شخصی خود به کار گیرید.

از خود این چهار سوال را بپرسید:

۱. آیا خدا از طریق این آیات پیغام شخصی برایم دارد؟

۲. آیا پدر در این آیات وعده ای برای زندگیم دارد؟

۳. آیا عیسی می خواهد که با توجه به این آیات کاری در زندگیم انجام بدهم؟


۴. تصمیم بگیرید که دست به کار شوید و از عیسی بخواهید که در این راه کمکتان کند.

درس ۱: زیربنا


در متی ۵: ۳ عیسی ما را با بذر مهمی از فرهنگ پادشاهی خدا آشنا می کند. او از شاگردان می خواهد فقیر در روح (فروتن) باشند، همانطور که خود او نیز اینگونه بود. پادشاهی خدا در چنین فرهنگی ثمره خواهد داد.

منظور عیسی از فروتنی چیست؟

فیلیپیان ۲: ۵ - ۱۱ 

متی ۱۱: ۲۹ 

افتاده دلی که عیسی اینجا معرفی می کند یک انتخاب آزاد است تا آنچه مالکش هستید را رها کنید. عیسی قدرت مطلق خداوند را تأیید می کند. او انتخاب کرده تا در خدمت انجام نقشه خداوند باشد و نه در خدمت خواسته ها و یا جاه طلبی های احتمالی. او قدرت خدایی را کنار می گذارد، زیرا ارزشی برای قدرت شخصی قائل نیست، بلکه برای منفعت دیگران ارزش قائل است. این مرکز خدمتگزار بودن او است. دیگران را مهمتر از خود دانستن فرهنگی است که عیسی به شاگردان خود می آموزد.

زکریا ۹: ۹ 


می گوید که عیسی سوار بر الاغی وارد به اورشلیم می شود. در این تصویر می بینیم که عیسی که در واقع خدا و پادشاه پادشاهی است با شکوه و جلال نمی آید، بلکه خیلی ساده و مانند یک انسان می آید. بسیار فروتن بر پشت یک کره الاغ

تکبر چیست؟

لوقا ۱۸: ۱۰ - ۱۲ 

این فریسی پیش خود فکر می کند که زندگیش از این باجگیر عادلانه تر است. تکبر نوعی روش عملکرد دل است، که باعث برتر دانستن خود از دیگران میشود. در این حالت نگرش و قدرت شخصی خویش را در اولویت قرار داده و سپس با حقارت به دیگران نگاه می کنید

فروتنی، شناخت از خود

یوحنا ۶: ۳۷ - ۲۹ 

عیسی جای هیچ گونه شکی در مورد شناخت خود نمی گذارد. او به وضوح خود را فرستاده پدر مینامد. همچنین دلیل آمدن او بر روی زمین و ماموریتش بسیار روشن است. او آمد تا از نابودی همگان جلوگیری کند.

به نظر متکبرانه می آید. ولی همانطور که خواندیم تکبر، ریشه در متکی بودن به قدرت خویش دارد، ولی فروتنی متمرکز بر فرد قوی و قدرتمند است. فروتنی به فرستنده اعتماد کرده و خواهان وابسته ماندن به فرستنده است تا بر اساس قدرت و قوت او عمل کند. از این طریق میتواند خادم دیگران باشد.

- عیسی از جایگاه خود به

عنوان همذات با خدا دوری

کرده و ذات غلام می پوشد

- عیسی می گوید که افتاده دل
است.

فریسی خودش را برتر از باجگیر


می پندارد


مثال

در اولین سفرم به روسیه این اتفاق افتاد. در هواپیما تجربه کردم که خداوند مرا برای انجام کار بزرگی در این کشور وسیع فرا میخواند. زمانی که برای بار دوم در حال سفر به روسیه بودم، اشک از چشمانم سرازیر بود. چگونه پیش خواهد رفت؟ چه باید می‌کردم؟ به هیچ وجه حال خوبی برای انجام حرکتی مفید در خود نمی‌دیدم. فقط می‌دانستم که خداوند من را فرستاده است.

این کافی بود، زیرا خدا هر دفعه شخصی را برای ملاقات به من نشان میداد. هر بار می‌دیدم که محبت او چگونه افراد را لمس کرده و زندگیشان را متغیر می‌ساخت. در این شرایط به خوبی تشخیص می‌دهید که این فقط کار خداست، و نه کار شما! همچنین بسیار حیرت‌انگیز است زمانی که خدای قادر مطلق با توجه به مقامش، ما انسانها را انتخاب کرده تا همکار او باشیم.


آزمایشهای خدا

۱ تواریح ۲۸: ۹، ۲۹: ۱۷ 


پیدایش ۳۹، ۴۰ 

یوسف در رویاهایش نقشی که در آینده به عهده اش بود را می‌دید. او رهبر خانواده اش می‌شد. بعد از آن یوسف برای آشکاری از مکنونات قلبش مورد آزمایش قرار می‌گیرد. یوسف دوبار متوالی به ناحق مورد محرومیت قرار می‌گیرد. ابتدا او به عنوان یک برده فروخته می‌شود. سپس بخاطر جرمی که انجام نداده به زندان می‌افتد. ولی در هر دو شرایط چه به عنوان برده و چه به عنوان زندانی برکت خدا شامل حالش می‌شود، تا اینکه بر همگان ثابت شود. در این شرایط حالت عملکرد خاصی از یوسف میبینیم که مناسب فرهنگ پادشاهی خداوند می‌باشد. یوسف با وجود این شرایط نمی‌شکند بلکه هر دو شرایط را می‌پذیرد. به این می‌گویید فروتنی حقیقی. او بنا بر این جایگاهش خدمت می‌کند. یوسف یک برده بود ولی در قلبش پادشاه. او یک زندانی بود ولی در قلبش مردی آزاد. به دلیل بخشندگی و اطمینان به خدا توانست سربلند از این آزمایشها بیرون بیاید.


اشعیا درمورد فروتنی چه می‌گوید؟

اشعیا ۵۷: ۱۵ 

یوسف مورد تحقیر برادران خود و وزن فوطیفار قرار گرفت. ولی خدا با یوسف ماند و در نهایت او را به سمت نایب السلطنه ای رساند. علیرغم تحقیر شدنش، یوسف فروتن ماند، زیرا به خدا اطمینان کرده و به مردم خدمت می‌کرد، درست مانند عیسی.

یعقوب ۴: ۶ 

خدا فروتنان را فیض می‌بخشد و سپس آنها را به طریق معجزه آسایی سرافراز می‌کند. این راه و روش خداوند است. روشی که از دید انسانی امکان پذیر نیست، ولی برای خدا همه چیز ممکن است. این یکی از قواعد پادشاهیست.

۱ پطرس ۵: ۵ - ۶ 

خدا دل انسانها را تفتیش می‌کند

او به متواضعان و دل


افسردگان، روحی تازه می‌دهد.

خدا با آنها خواهد بود. (تفاوت

میان فروتنی (داوطلبانه) و

تحقیر شدن (از طریق انسانها)

خدمتگزاری داوطلبانه

یوحنا ۱۳: ۱۲ - ۱۷ 


عیسی با شستن پاهای شاگردانش یک نمونه به جای می‌گذارد. به عنوان خداوند نشان می‌دهد که خدمتگزار بودن و فروتنی چیست. این حرکت نه تنها از میزان احترام شاگردان در مقابل عیسی کم نمیکند بلکه طریقه عملکرد استاد باعث احترام مضاعف در دلشان میشود عیسی جایگاه پادشاهیش را کنار نهاده تا خدمتگذار باشد. او سلطه نمی‌کند بلکه خدمت می‌کند. هدف او به انجام رساندن خواسته‌های خداوند است. عیسی یک آرمان روشن دارد. نه برای خودش بلکه برای دیگران. او نیاز دیگران را دیده و زندگیش را برای نجات دیگران میدهد.


فروتنی متمرکز بر روی دیگران است نه بر خود. می‌خواهی که دیگری بهتر شود، رشد کند، محترم شمرده شود و شاد باشد.

با این وجود عیسی مردی مقتدر و پر قدرت بود. او پسر خدا و پیروز بر شیطان بود. ولی او از قدرتی که بر ضد شیطان داشت استفاده می‌کرد تا اطرافیانش را آزاد کند. او حتی یک نفر را نیز مجبور نکرد که از او پیروی کند. او هیچوقت از قدرتش سوء استفاده نکرد تا کسی را مجبور کند که وارد پادشاهی خدا شود، ولی به آنها این موقعیت را می‌داد تا از او پیروی کنند. هدف پادشاهی خودش نبود، بلکه پادشاهی خدا.

فروتنی و رهبری


یک خادم خدا را چگونه می‌توان شناخت؟


۱ تیموتاوس ۴: ۱۲ 

۲ تیموتاوس ۲: ۲۴، ۲۵ 

پولس هم این بذر پادشاهی خدا را مهم می‌داند. او به شاگرد خود تعلیم می‌دهد که در نهایت فروتنی و همچنان عادلانه از جایگاه خود مطلع بماند. این شکل رهبری در دل یک رهبر شروع می‌شود. او می‌داند که چه کسی است، ولی فرای آن می‌داند خدا کیست.

تکلیف:

 در مورد چیزهایی که از زندگی یوسف یاد گرفته‌اید با سرپرست خود صحبت کنید.

 تصمیمی که بر حسب این درس گرفته‌اید را با خداوند در میان بگذارید.

از روح القدس بخواهید تا رویه قلبی عیسی به شما نیز عطا کند.

گفته‌ای از کوری بلک: 'ما فرزندان خدا هستیم، حاکم بر شیطان و خادمین انسانها'

Lined writing area with horizontal blue dotted lines.